

نقش امنیت اخلاقی خانواده بر سلامت روانی زنان

زهرا لک زایی

فاطمه جاهدی

چکیده

این مقاله باهدف شناسایی نقش امنیت اخلاقی خانواده در سلامت روان زنان تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که امنیت اخلاقی خانواده در سلامت روانی زنان چه نقشی دارد؟ این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی می باشد و روش به کار رفته در آن کتابخانه ای بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع آوری داده ها، فیش ها و تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم ترین نتایج این مطالعه می توان به این موضوع اشاره کرد که امنیت اخلاقی همان فضایل انسانی است که عمل کردن به آن زمینه ساز آرامش فکری، روحی و روانی بوده و باعث تحکیم امنیت اجتماعی همه افراد بشر، به خصوص بانوان می شود و جامعه ای که امنیت آن در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و اقتصادی و...) کامل باشد؛ فساد و ناهنجاری های اخلاقی کاهش خواهد یافت. علاوه بر آن، ثبات خانواده نیز تأمین می گردد از آنجا که یکی از عوامل مهم سلامت روانی زنان داشتن امنیت اخلاقی در خانه و خانواده می باشد. برای نمونه از جمله کار هایی که باعث می شود زنان سلامت روانی بیشتر داشته باشند: پرهیز از تهرج، شناختن مرزهای حضور در اجتماع، اجتناب از پوشش نامناسب می باشد.

کلید واژه: زن، خانواده، امنیت اخلاقی، سلامت روان

مقدمه

بهداشت روانی به عنوان یکی از موضوعات مهم در عصر حاضر کانون توجه بسیاری از جوامع جهانی است. هدف از بهداشت روانی، ایجاد سلامت روان از طریق پیشگیری از ابتلا به بیماری های روانی، کنترل عوامل موثر در بروز بیماری های روانی و ایجاد محیط سالم برای برقراری روابط صحیح انسانی است.

سازمان بهداشت جهانی، سلامتی را حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف نموده است. از این رو به نظر میرسد که سلامت روان را باید در مولفه هایی مورد بررسی قرار داد که یکی از آن مولفه ها امنیت اخلاقی خانواده می باشد. (غفاری؛ ۱۳۸۴، به نقل از: نریمانی، ۱۳۸۶) خانواده تنها نهاد فطری و طبیعی انسان است و یکی از نهاد های مهم اجتماعی و تنها نهاد فطری است که همتا ندارد و در شکل گیری و چگونگی روابط بین فردی، گروهی و ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آموزشی جوامع نقش تعیین کننده ای دارد.

خانواده دو رکن دارد: زن و شوهر که فرزند هم می تواند جز ساختار خانواده قرار گیرد. نهاد خانواده، مخلوق خالق زوج افرین است و اقتضای حکمت خالق است که مخلوقات خود را با قابلیت زوجیت افریده است. (دهنوی، ۱۳۸۷، ص ۷) زن در تفکرات قرانی همانند مرد، تکامل پذیر و اوج گرا است. قران هرگاه از کمالات انسانی سخن می گوید، بانوان را نیز همدوش مردان مطرح می کند و راه رسیدن به کمالات انسانی و تقرب به خداوند متعال به طور مساوی برای مردان و زنان باز می داند. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۲۱) و همچنین در طول تاریخ آمده است بانوان در خانواده نقش هستی بخشی داشته اند و یکی از مهم ترین محیط های موثر بر سلامت بدنی و روانی افراد به شمار رفته است.

بانوان در خانواده شرایط لازم برای رشد و رسیدن به توازن جسمی، روانی و اجتماعی افراد خانواد را فراهم می سازند از این رو نقش امنیت اخلاقی در خانواده بر سلامت روانی زنان نقش بسزایی دارد.

نقش امنیت اخلاقی خانواده بر سلامت روانی زنان را می توان در دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد: دیدگاه اول: ((امنیت اخلاقی خانواده و کارکرد های آن)) است و دیدگاه دوم: ((کارکرد های نظام های اجتماعی بر سلامت روان زنان)).

یکی از مولفه هایی که ارتباط مستقیم با سلامت روانی زنان دارد، امنیت اخلاقی خانواده است. و می توان ادعا کرد که امنیت اخلاقی خانواده در سلامت روانی زنان تاثیر مستقیم دارد. مراد از امنیت اخلاقی، امنیت ناشی از کیفیت نفسانی و رفتارهای انسان ها و کنشگران در روابط اجتماعی است، امنیتی که عرصه های مشتمل بر

فرهنگ، هنجارها و ارزش‌هایی مانند: ابرو فمزلت، عفاف، شرم و حیا و هویت انسانی مورد احترام و علاقه دیگران را شامل شود. (افتخاری: ۱۳۹۰) پاسخ به این پرسش که نقش امنیت اخلاقی خانواده چه رابطه بر سلامت روانی زنان دارد در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقش پرهیز از تبرج در سلامت روان زنان

حجاب نقش مهمی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تبرج زن دارد، عامل مهمی در جلوگیری از بخش بزرگی از اضطراب‌ها دغدغه‌های فکری زن است؛ زیرا آزادی زن در خودارایی و به نمایش گذاردن جلوه‌های زنانه در بین جامعه، باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی‌های ظاهری می‌شود، که این توجه افراطی می‌تواند اختلال‌های روانی ایجاد کند. (حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۲۰)

وقتی زن، با ظاهری اراسته در بین مردان حضور یابد به طور طبیعی عده‌ای از مردان از او خوششان می‌آید و وی را تحسین و تکریم ظاهری می‌کنند؛ به همین دلیل او به طور دائم سعی می‌کند ظاهر خود را طوری اراسته کند که بیشتر مورد پسند واقع شود. معمولاً این زنان و دختران برای اینکه زیباتر شوند هر روز وقت زیادی را صرف آرایش و تقلید از مدهای جدید می‌نمایند.

این روند می‌تواند ناراحتی‌های روانی زیادی را برای آنان ایجاد کند؛ زیرا همیشه کارها به دلخواه پیش نمی‌رود و باعث بروز نگرانی‌هایی برای آنها می‌شود.

به طور مثال این تصور که آیا با صرف این همه وقت و هزینه مالی توانسته‌اند جلب نظر کنند و مورد پسند آنان واقع شوند یا برعکس، مورد تمسخر و تحقیر آنانند می‌تواند به دائم ذهن آنها را به خود مشغول کند و آنها را به موجوداتی نگران تبدیل کند. (حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۲۱)

اما حجاب مانند سایر احکام اسلام که نشانه‌ای از یک مکتب و جهان بینی الهی است به زنان و دختران با حجاب احساس ارزشمندی و افتخار می‌دهد؛ زیرا جهان بینی الهی یعنی داشتن ایمان به خداوند و اینکه آغاز و انجام جهان بینی الهی یعنی داشتن ایمان به خداوند و اینکه آغاز و انجام جهان به دست اوست و ما بندگان اویم و زندگی و مرگمان برای اوست.

این جهان بینی به زندگی انسان محتوا و ارزش می‌دهد و او را از احساس پوچی و در نتیجه شکنندگی و بی‌هویتی خارج می‌کند؛ محتوا و ارزشی که به خاطر آن زندگی می‌کند و در مقابل تمام مشکلات و سختی‌ها صبور می‌باشد.

وقتی زن به دلیل ضعف ایمان حجاب خود را رعایت نمی‌کند و از یک منبع آرامش بخش بسیار قوی به نام دین محروم است، احساس پوچی و بی‌ارزشی می‌کند؛ زیرا تکیه‌گاه محکمی برای خود و دلیلی برای زندگی

نمیابد به ناچار برای رهایی از این احساس تخریب گرو رسیدن به پایگاه فکری که بتواند به آن تکیه کند، تلاش می کند ولی چون پایگاه منطقی و عقلانی قابل اعتماد نمی یابد، سعی می کند در صورت توان با روی آوردن به علم و تحصیل و به دست آوردن مدارج علمی و امثال آن به زندگی خود معنایی بدهد. (تجربه زندگی غربی نشان داده است این راه حل موقتی و زودگذر است) ولی اگر در این راه موفق نشود و نتواند پایگاه فکری (حتی ضعیف و ناقص) به دست آورد به تدریج دچار احساس بی ارزشی و خلا عاطفی می شود.

بی شک افراط زن در خودنمایی و برهنگی می تواند یکی از رفتارهای روان نژدانه باشد که جبرانی برای خلا عاطفی و شخصیتی وی است.

بنابراین می توان گفت که بی حجابی یا بد حجابی در زنان و دخترانی دیده می شود که از درون تهی هستند و پایگاه شخصیتی محکمی ندارند.

در مقابل کسانی که ثبات فکری و در نتیجه ثبات عاطفی دارند باوقار ترند و پوشش آنها مناسب تر است .

نقش امنیت اخلاقی خانواده در پرهیز از تبرج

نقش حجاب در پایبندی همسران به پیمان مقدس ازدواج است. حجاب و پوشش سبب می شود زن از نگاه های لوده مردان هوس باز و گرفتار شدن به دام عشق های ازاد محفوظ بماند و به زندگی و خانواده خود وفادار باشد، اما شیوع بی حجابی و بی بندوباری سبب می شود که مردان به جای توجه و محبت به همسرانشان به دنبال لذت از زنان ارایش کرده کوچه و بازار باشند و زنان نیز از جلوه گری و طنازی برای به دام انداختن مردان بیگانه ابایی نداشته باشند و در نتیجه عشق و علاقه بین همسران از بین رفته و باعث فروپاشی خانواده شود.

بنابراین اهمیت حجاب و پوشش در اسلام به این دلیل است که نظام خانواده از گسستگی حفظ شود و اعضای آن از خطرات و آسیب های روانی بی بند وباری مصون بمانند.

در حالیکه ازادی زن در جلوه گری و نمایش زیبایی های زنانه اثر مخربی بر سلامت روانی خانواده به ویژه خودش دارد؛ زیرا مفهوم بی حجابی این است که زن مجاز باشد برای هر مردی خود ارایی کند که ادامه این رفتار سبب خروج زن از خانه و آوارگی در کوچه و خیابان خواهد شد.

این در حالی است که نشود نمای نیروی فعال زن در خانه و خانواده است و تمام استعدادها و قدرت تاثیر فوق العاده ای که زن می تواند در رشد و تعالی جامعه انسانی داشته باشد در سایه خانه و خانواده شکوفا می شود به گفته لمبروز لا برای زن نیکوترین دوره زندگانی همان دوره ای است که همه نیروهای روحی و جسمی او صرف پرداختن به خانواده و جامعه می شود. (جینا لمبروز، روح زن، انتشارات دانش، ۱۳۶۹، ص ۹)

ازاد شدن از قید خانه و خانواده به معنای از دست دادن آرامش و امنیت روانی است؛ خانه را مسکن گویند زیرا محل سکونت و آرامش روحی برای انسان است اگر زن این مکان امن و سکون و محل شکوفایی استعدادها و نیروهای درونیش را از دست بدهد، آرامش و سلامت روانی خود را نیز از دست خواهد داد.

استرس ها و فشارهای روانی که امروز دامن گیر زنان غربی شده به این دلیل است که بی بندوباری و داشتن روابط جنسی سبب شده آنها از زندگی در خانه بیزار شوند، وظیفه مادری خود را فراموش کنند، به جای آن در قید و بند رقابت های زندگی مدرن امروزی بیفتند و تمام ارزش های معنوی را فدای آن کنند.

نقش سلامت روانی زنان در شناختن مرزها در اجتماع

نبودن حریم میان زن و مرد و ازادی معاشرت های بیبندوبار هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد.

غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند عمیق و دریا صفت است هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله ور تر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

۱- تاریخ همان طوری که از مردان ثروت یاد می کنند که با حرص و ازادی حیرت آور در پی گرد آوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع اوری کرده اند حریص تر می شده اند، همچنین از مردانی در زمینه مسائل جنسی یاد می کنند اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف و تملک زیبا و یان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرام سراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند چنین بوده اند.

کریستن سن نویسنده کتاب (ایران در زمان ساسانیان) در فصل نهم کتاب خویش می نویسد: در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که در خسرو پرویز در حرم داشت می بینم. این شهریار هیچگاه از میل سیر نمی شود.

دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هرجانشان می دادند، به حرم خود می آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می کرد، نامه ای به چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می کرد. (مسئله حجاب، مطهری مرتضی، ص ۸۴)

پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می دیدند به خدمت او می بردند.

از اینگونه جریان ها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. پس داشتن حریم در اجتماع جلوی بسیاری از آسیب های روحی و روانی و جسمی را میگیرد.

امارها نشان می دهد برهنگی و ارایش هوس انگیز زنان در غرب باعث برانگیختگی و جنون جنسی برخی مردان و جوانان شده است تاجایی که این وضعیت در بسیاری از موارد به حمله و تجاوز به عنف علیه زنان گردیده است. از این رو این گونه زنان امنیت لازم را ندارند.

ناامنی و خطری که زنان بدحجاب را تهدید می کند، در بعضی از آیات مورد توجه قرار گرفته است. در ایه ۵۹ سوره احزاب بعد از اینکه به همه زنان دستور می دهد بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند می فرماید این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد ازار قرار نگیرند بهتر است.

در تفسیر قمی چنین آمده است: زنان مسلمان به مسجد می رفتند و نماز جماعت را با پیامبر (ص) می خواندند. هنگامی که ایشان برای خواندن نماز صبح و یا مغرب وعشا از خانه بیرون می رفتند جوان ها برس ر راه شان می نشستند و به تعرض و ازار آنان می پرداختند. در این زمان ایه ۵۹ سوره احزاب نازل گردید و بر پوشش زنان به عنوان حفاظ در مقابل ازار و ادیت دیگران تاکید ورزید.

بنابراین ایجاد امنیت از ثمرات مهم حجاب برای زنان است که در صورت فقدان آن زنان آرامش خود را از دست می دهند و به ترس اضطراب و استرس های روانی دچار می شوند.

پوشش و حجاب نقش مهمی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تبرج زن دارد. عامل مهمی در جلوگیری از بخش بزرگی از اضطراب ها و دغدغه های فکری زن است زیرا آزادی زن در خودارایی و به نمایش گذاردن جلوه های زنانه در بین جامعه باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی های ظاهری می شود که این توجه افراطی می تواند اختلال های روانی ایجاد کند.

وقتی زن با ظاهری اراسته در بین مردان حضور یابد به طور طبیعی عده ای از مردان از او خوششان می آید و وی را تحسین و تکریم ظاهری می کنند به همی دلیل او به طور دائم سعی می کند ظاهر خود را طوری اراسته کند که بیشتر مورد پسند واقع شود. معمولاً این زنان و دختران برای اینکه زیباتر شوند هر روز وقت زیادی را صرف ارایش و تقلید داز مدهای جدید می نمایند. این روند می تواند ناراحتی های روانی زیادی را برای آنان ایجاد کند زیرا همیشه کارها به دلخواه پیش نمی رود و باعث بروز نگرانی هایی برای آنها می شود. به طور مثال این تصور که ایا با صرف این همه وقت و هزینه مالی توانسته اند جلب نظر کنند و مورد پسند آنان واقع شوند یا برعکس مورد تمسخر و تحقیر آنانند می تواند به طور دائم ذهن آنها را به خود مشغول کند و آنها را به موجوداتی نگران تبدیل نمایند.

از دیگر اثار و فواید حجاب که در سلامت روانی زنان تاثیر زیادی دارد نقش حجاب در پایبندی همسران به پیمان مقدس ازدواج است. حجاب و پوشش سبب می شود زن از نگاه های الوده مردان هوس باز و گرفتار شدن به

دام عشق های آزاد محفوظ بماند و به زندگی و خانواده خود وفادار باشد، اما شیوع بی حجاب و بی بندوباری سبب می شود که مردان به جای توجه و محبت به همسران شان به دنبال لذت جویی از زنان ارایش کرده کوچه و بازار باشند و زنان نیز از جلوه گری و طنازی برای به دام انداختن مردان بیگانه ابایی نداشته باشند و در نتیجه عشق و علاقه بین همسران از بین رفته و باعث فروپاشی خانواده شود. بنابراین اهمیت حجاب و پوشش در اسلام به این دلیل است که نظام خانواده از گسستگی حفظ شود و اعضای آن از خطرات و آسیب های روانی بی بندوباری مصون بمانند. در حالی که آزادی زن در جلوه گری و نمایش زیبایی های زنانگی اثر مخربی بر سلامت روانی خانواده و به ویژه خودش دارد زیرا مفهوم بی حجابی این است که زن مجاز باشد برای هر مردی خود ارایه کند که ادامه این رفتار سبب خروج زن از خانه و آوارگی در کوچه و خیابان خواهد شد. این در حالی است که نشو و نما و نیروی فعال زن در خانه و خانواده است و تمام استعدادها و قدرت تاثیر فوق العاده ای که زن می تواند در رشد و تعالی جامعه انسانی داشته باشد در سایه خانه و خانواده شکوفا می شود. به گفته لمبروزو (برای زن نیکوترین دوره زندگانی همان دوره ای است که همه نیروهای روحی و جسمی او صرف پرداختن به خانواده و جامعه می شود).

ازاد شدن از قید خانه و خانواده به معنای از دست دادن آرامش و امنیت روانی است. خانه را مسکن گویند؛ زیرا محل سکونت و آرامش روحی برای انسان است. اگر زن این مکان امن و سکون و محل شکوفایی استعدادها و نیروهای درونیش را از دست بدهد آرامش و سلامت روانی خود را نیز از دست خواهد داد. استرس ها و فشارهای روانی که امروز دامن گیر زنان غربی شده به این دلیل است که بی بندوباری داشتن و روابط جنسی سبب شده آنها از زندگی در خانه بیزار شوند وظیفه مادری خود را فراموش کنند به جای آن در قید و بند رقابت های زندگی مدرن امروزی بیفتند و تمام ارزش های معنوی را فدای آن کنند. نتایج عشق ازاد و تاثیر آن در به خطر انداختن سلامت روانی زنان در جوامع مشهود است. (psychosocial-development)

نتیجه گیری:

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می دهند و در عین حال پرورش دهنده همه افراد جامعه هستند. فراهم کردن غذا، آموزش و پرورش و مراقبت های بهداشتی افراد خانواده به عهده زنان است. امروزه با پیشرفت جوامع بشری و حضور بیشتر زنان در بیرون از خانه، این مسئولیت زنان به کل افراد جامعه تعمیم یافته است. به نظر می رسد همچنان توقع از زنان به سبب ماهیت وجودی آنها از لحاظ جسمی و عاطفی بالا است و این اتفاق منجر به افزایش فشارهای روانی اجتماعی بر زنان می شود و تمام ابعاد سلامت (فیزیکی، روانی و اجتماعی) را در این گروه تحت تاثیر قرار می دهد. خانواده از دیر زمان رکن اساسی جوامع انسانی به شمار میرفته که هم با ضرورت زندگی و هم با سرشت و طبیعت انسانی سازگار بوده است. در نظام ارزشی اسلام خانواده از منزلت و قداست خاصی برخوردار است. سلامت خانواده از سه دیدگاه سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی قابل بررسی است و زن نیز به عنوان یکی از ارکان خانواده در این سلامت نقش مهمی ایفا می کند. زنان هم دریافت کننده و هم ارائه دهندگان اصلی مراقبت ها در نظام سلامت هستند. سلامت روان خانواده یعنی اینکه هر یک از اعضا خانواده در سلامت روان بقیه نقش دارد، زن ها با ایفای نقش مهم و تاثیر به سزا در خانواده خود به عنوان همسر و مادر در تامین سلامت روان خانواده بسیار موثر هستند و از آنجا که امنیت اخلاقی در سلامت روانی نقش بسزایی دارد هم در اجتماع و هم در فضای خانه و خانواده ؛ واگر زنان چهارچوب های حضور در اجتماع و پوشش مناسب و پرهیز از خودنمایی و تبرج را رعایت کنند از سلامت روانی خود و دیگر افراد جامعه محافظت میکنند.

منابع و مآخذ

*قران کریم

۱- غفاری ۱۳۸۴

۲- دهنوی ۱۳۸۷

۳- مجلسی ۱۳۷۴

۴- افتخاری ۱۳۹۰

۵- حجاب و نقش آن در سلامت روان، علاسوند

۶- جینالمبروز-روح زن، انتشارات دانش؛ ۱۳۶۹

۷- مسئله حجاب، مرتضی مطهری

۸- صادقی فسای ۱۳۸۴

۹- حرعاملی ۱۴۰۹

10- amato, 2003-

-ford,2002- 11

-clery-1983-12

۱۴۰۸-نوری-13

reidand hardi1999-14

۱۴۰۸-کلینی-15

۱۳۶۶-خوانساری-16

۱۴۱۲-دیلمی-۱۷

۱۳۸۲-اذربایجانی و همکاران-۱۸

psychosocial-development-19